



آتش گروگان‌تولیدنیست

■ به گفته رئیس سیمافیلیم جدول بخش سریال‌های تلویزیونی تا پایان سال ۱۴۰۴ مشخص شده است

صادرات کتاب نیازمند اراده و بودجه

■ حمایت بیشتر و جدی‌تر دولت از طرح «گرت» می‌تواند به افزایش ترجمه تولیدات فرهنگی ایران به زبان کشورهای بازار هدف منجر شود

۱۱/۰۰

مجری‌ای که به خانه بازگشت!

■ بهروز تشکر، مجری و گوینده رادیو و تلویزیون می‌گوید که با انرژی و تجربه جدید به عرصه اجرا در شبکه رادیویی تهران بازگشته است

۷/۰۰

جناب خان به تلویزیون بازمی‌گردد

■ مدیر شبکه نسیم در نشست اعلام برنامه‌های جدید از پیش‌تولید برنامه‌ای با اجرای فرزاد حسنی به نام «بی‌سابقه» خبر داد

۶/۰۰

سینما؛ راوی

درد فلسطین

■ «تعطیلات خوش» یک درام پرتنش

اجتماعی ضدصهیونیستی، ساخته

اسکندر کوپتی است که اولین

نمایش خود را در جشنواره ونیز

پشت سر گذاشت

۱۰/۰۰



روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

استراتژی جدید؛ نفی اصل ولایت فقیه



سیدمستغنی مستندساز و کارشناس سینما

در آغاز دهه ۷۰ هجری شمسی، براساس یک استراتژی جدید از محافل و کانون‌های استعماری، عناصر شناخته‌شده و نشده‌ای که تا دیروز درصدد براندازی مستقیم نظام جمهوری اسلامی بودند، با سوءاستفاده از طرح خام‌دستانه برخی عناصر دولتی تحت عنوان جذب نخبان و بازگشت نیروهای فرهنگی به کشور، فضا‌های بسیاری را در عرصه‌های هنری و فرهنگی مانند حیطه کتاب و نشر، عرصه‌های هنرهای تجسمی، تئاتر، موسیقی و سینما در دست گرفتند و به ترویج و اشاعه همان تئوری‌ای سکولار خود پرداختند. در صدر همه این تئوری‌ها، نفی اصل ولایت فقیه بود.

مثلا نشریه پویش در تابستان ۱۳۷۰ در مقاله‌ای نوشت: «...به اعتقاد ما، فقط در صورتی که قانون اساسی ملغی اعلام شده و به تبع آن، اصل ولایت فقیه فاقد اعتبار گردد، نهادهای سرکوبگر منحل اعلام شود و جمهوری اسلامی سرانجام به یک انتخابات کاملاً آزاد با شرکت تمامی نیروها و جریان‌های سیاسی ایران، چه در خارج و چه در داخل کشور تن در دهد، می‌توان به پایان مسالمت‌آمیز کشمکش سیاسی در ایران امیدوار بود...»

منوچهر گنجی، از وابستگان رژیم طاغوت که در سال ۱۳۶۵ با کمک کنت تیمرن (از ماموران سازمان CIA و رئیس بنیاد دموکراسی ایران) مسئولیت تشکیلات ضدانقلابی جبهه نجات ایران را برعهده گرفت و رادیو ضدانقلابی درفش کاوایی را مدیریت کرد، از آبان ۱۳۷۱ در راستای هماهنگی با پروژه استحاله از درون سازمان CIA نام «سازمان درفش کاوایی» را به «سازمان دفاع از حقوق بشر و آزادی برای ایران» تغییر داد و در این مسیر، ولایت فقیه را مهم‌ترین سد و مانع در رسیدن به اهداف خود و سرویس‌های اطلاعاتی حامی خود معرفی کرد. وی در گفت‌وگویی با نشریه کیهان سلطنت‌طلبان در لندن در اردیبهشت ۱۳۷۳ که در شماره ۵۰۶ این نشریه به چاپ رسید، گفت: «... در حال حاضر بزرگ‌ترین مانع در مقابل این حرکت، هیأت حاکمه ایران است که انحصارطلبی سیاسی خود را به وسیله ولایت فقیه توجیه می‌کند،

بنابراین هدف اساسی در فعالیت‌های سیاسی ما باید حذف ولایت فقیه باشد...»^۱ در گام بعدی بود که وزیر دفاع اسبق آمریکا نیز در همراهی آشکار با تهاجم فرهنگی علیه مردم ایران از طرح هوشنگ انصاری (ضدانقلاب فراری مقیم آمریکا) حمایت کرد که تنها راه موفقیت ضدانقلابیون را پس از حذف نظارت روحانیون و فقه، نفوذ عوامل وابسته به متن قدرت نظام و انقلاب می‌دانست. وی گفت: «...باید پس از حذف نظارت شورای نگهبان، عناصر خود را در متن قدرت رژیم وارد کرد...»^۲ نشریه پارسیان نیز در شماره مورخ ۱۴ مرداد ۱۳۷۴ در ضمیمه کنفرانسی که ضدانقلاب و روشنفکران وابسته در اشتوتگارت آلمان برپا کردند، نوشت: «...شرکت‌کنندگان در این کنفرانس بر یک نکته تاکید داشتند و آن لزوم نفی قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌دلیل وجود اصل ولایت فقیه است...»^۳

منوشه امیر از گویندگان رادیو اسرائیل در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۷۳ طی تفسیری اظهار داشت که یک اصل در قانون اساسی ایران وجود دارد که در این سال‌ها بسیار دردرساز بوده و آن اصل ولایت فقیه است.^۴

همچنین رادیو دولتی انگلیس BBC نیز در تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۳۷۴ با صراحت از موضوع اصلی دشمنی با نظام جمهوری

اسلامی پرده برداشت: «...انتقاد عمده گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران، نقش ولایت فقیه در این نظام است...»^۵ رادیو صدای آمریکا در تاریخ ۱۰ مردادماه ۱۳۷۴ پا را فراتر گذاشته، وارد بحث دینی شده و اعلام کرد که اصلا در فقه، هیچ فقیهی تاکنون نیامده و نگفته که ولایت فقیه به معنای حکومت است!^۶ اینچنین بود که به قول حضرت امام خمینی(ره) حتی مناخیم بگین (نخست‌وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی) نیز اسلام‌شناس شد!

ضدیت هماهنگ نظام سلطه جهانی، رسانه‌ها و بلندگوهای تبلیغاتی آنها و روشنفکران وابسته با اصل ولایت فقیه از زاویه‌ای خاص، نشانگر دشمنی حساب‌شده و دیرین جریانی است که از زمان نهضت تنباکوبه قول میرزای شیرازی، نقطه‌قوت جامعه مسلمانان را در مبارزه با دشمنانش درک کرد.

■ **ضدیت با اصل ولایت فقیه از ابتدای پیروزی انقلاب**

حمله تبلیغاتی علیه ولایت فقیه، همچنان که از دل تاریخ معاصر و جریانات مشروطه‌بیرون آمد، بلافاصله و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خصوصاً با مطرح‌شدن این اصل در مجلس خبرگان قانون اساسی و سپس گنجاندن آن در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی، از سوی رسانه‌ها و مراکز وابسته به غرب و همچنین گروهک‌های مختلف چپ و راست شدت گرفت. امثال ابوالحسن بنی‌صدر، آن را مغایر با نقش تاریخی روحانیت ذکر کردند و گروهک‌های تروریستی مانند پیکار و کومله، در تیرتشریات خود، تصویب اصل ولایت فقیه را «کلاه‌گشادی بر سر ملت ایران» دانستند و با عباراتی همچون دیکتاتوری نعلین با حکومت ملاتاریا آن را مورد توهین و افترا قرار دادند.

ضدیت با ولایت فقیه تقریباً در تمامی مجامع ضدانقلاب و روشنفکران غرب‌زده و نشریات وابسته، به چشم می‌خورد. نشریه «پیغام امروز» به مدیریت رضا مرزبان، از سلطنت‌طلبان و عوامل کودتای نوزه، در مرداد ۱۳۵۸ و در اوج دموکرات‌نمایی ضمن این‌که اصل ولایت فقیه را با قییم‌تراشی برای مردم مساوی دانسته، نوشت: «...ملت ایران صدساله است. قیم نمی‌خواهد و قییم‌تراشی برای ملت ایران، یک حيله امپریالیستی است...»^۷

همچنین روزنامه «بامداد» وابسته به جریان لیبرال‌ها و نهضت آزادی که از هر جریان غرب‌گرا در تقابل با انقلاب اسلامی دفاع می‌کرد، در همان سال در مخالفت با ولایت فقیه نوشت: «...طرح و تصویب ولایت فقیه در قالب جمهوری اسلامی، به علت تعارضات و تضاد ماهوی و شکلی میان دو مفهوم، موجب اشکالات فراوانی در مرحله اجرا خواهد شد...»^۸

مشابه چنین موضع‌گیری ۱۱ سال بعد، علیرضا علوی‌تبار در سال ۱۳۷۹ و در روزنامه «صبح امروز» از نشریات اصلاح‌طلب می‌نویسد: «...معتقدم به‌سختی می‌توان تفسیری دموکراتیک از ولایت فقیه ارائه داد...»^۹

همچنین روزنامه

«خرداد» به نقل از یک چهره ملی‌گرا در سال ۱۳۷۸ اشاره می‌کند: «...حکومت ولایی، دیکتاتوری صالحان و حاکمیت استبداد با رنگ و لعاب شرعی است...»^{۱۰}

در تکمله همین سخنان است که «فرد هالیدی»، خبرنگار کهنه‌کار و از تئوریسین‌های غربی می‌گوید: «...ظهور اصلاح‌طلبی در ایران وقتی می‌تواند در افق مطلوبی با غرب دست رفاقت بدهد که از سنگلاخ ولایت فقیه بگذرد و ایران را پس از آخوندبسم ترسیم کند...»^{۱۱}

حضرت امام خمینی(ره) طی بیاناتی که در دوم خرداد ۱۳۵۸ در جمع دانشجویان دانشکده ادبیات و فرهنگیان اهواز ایراد کردند، درباره مخالفت با روحانیت و اسلام منهای روحانیت فرمودند: «...اگر دیدید که با روحانیت شما موافقت، بدانید با قرآن هم موافقت؛ بدانید با اسلام هم موافقت. اگر گفتند اسلام منهای [روحانیت، بدانید با اسلام موافق نیستند. این را برای گول‌زدن می‌گویند، این را برای این‌که این دژ را بشکنند. دنبالش اسلام رفته است! دیگر محتاج به [کوبیدن] نیست. اسلامی که گوینده اسلامی ندارد، اسلام نیست، اسلامی که نوی کتاب نیست، کنایش را هم فردا از بین می‌برند. آئی که روحانیت را می‌خواهد ببرد، کتاب روحانیت را هم می‌خواهد بربزد دور. اگر روحانیت رفت، تمام کتب دینی ما به دریا ریخته می‌شود، آتش زده می‌شود. این برنامه کوتاه‌مدت برای ملت ما، اللّهُمَّ قد بَلَّغْتُ، من رساندم به شما ملت مطلب را، گفتیم به شما؛ و باید هم گفته بشود. من مسائلی که می‌دانم و می‌فهمم، وظیفه‌ام این است که بگویم و گفتنم، من حتی که خدا برابم دارد، ادا کردم. این برنامه قلیل‌المدت شماس‌ت، کوتاه‌مدت شماس‌ت که باید با تمام اینها مبارزه کنید؛ سخت‌تر از آن مبارزه‌ای که با شاه کردید...»^{۱۲}

منابع:

- ۱- اکبر گنجی، بولتن ایرانیان خارج از کشور، ۱۳۷۳
- ۲- گفت‌وگو با منوچهر گنجی، کیهان لندن، شماره ۵۰۶، اردیبهشت ۱۳۷۳
- ۳- هوشنگ انصاری، مجموعه مستند «از غدیر تا موعود»، قسمت ۲۴، شبکه خبر، تیرماه ۱۳۹۳
- ۴- نشریه پارسیان، ۱۴ مرداد ۱۳۷۴
- ۵- منوشه امیر، رادیو اسرائیل، ۲۹ آذرماه ۱۳۷۳
- ۶- رادیو بی‌بی‌سی، ۲۰ تیرماه ۱۳۷۴
- ۷- رادیو صدای آمریکا (VOA)، ۱۰ مرداد ۱۳۷۴
- ۸- پیغام امروز - مرداد ۱۳۵۸
- ۹- روزنامه بامداد، مجموعه مستند از غدیر تا موعود، قسمت ۲۴، شبکه خبر، تیرماه ۱۳۹۳
- ۱۰- علیرضا علوی‌تبار، روزنامه صبح امروز، مجموعه مستند از غدیر تا موعود، قسمت ۲۵، شبکه خبر، تیرماه ۱۳۹۳
- ۱۱- روزنامه خرداد، مجموعه مستند از غدیر تا موعود، قسمت ۲۵، شبکه خبر، تیرماه ۱۳۹۳
- ۱۲- فرد هالیدی، مجموعه مستند از غدیر تا موعود، قسمت ۲۵، شبکه خبر، تیرماه ۱۳۹۳
- ۱۳- امام خمینی(ره) در دیدار دانشجویان دانشکده ادبیات و فرهنگیان اهواز، ۲۰ خرداد ۱۳۵۸

